

دریافت: مهر ۹۴
پذیرش: تابستان ۹۴



مدیریت و حکومت علوی - فرازمانی و فرامرزی

سید جمال‌الدین دین‌پرور

چکیده:

مدیریت نیاز همیشگی جوامع بشری است. امام علی علیه السلام در دوره حکمرانی خویش شاخصه‌های مدیریت تعالی‌گرا را مشخص کرد. نگاه امام در مدیریت معطوف به محور عدالت است. عدالت پیش‌زمینه وصول به مدیریت متعالی است. مهمترین مؤلفه‌های مدیریت متعالی در نهج‌البلاغه عبارت است از: خود نظارتی، دقت در گزینش کارگزاران، عطوفت و مهربانی نسبت به مردم، خودسازی (دفع رذائی و کسب فضائل)، شایست‌سالاری، پرهیز از گرایش‌های حزبی.

واژه‌های کلیدی:

مدیریت، عدالت، معیارهای مدیریت، نهج‌البلاغه، امام علی علیه السلام.

مقدمه

گرچه علم مدیریت یکی از علوم جدید یا «علوم مستحدثه» است که در دانشگاه‌های دنیا تدریس می‌شود و دانشمندی چون «گیولیک» (۱۹۳۷)، «فایول» (۱۹۴۹)، «وبر» (۱۹۴۶)، «تیلور» (۱۹۱۲) در این رابطه مطرح‌اند، ولی روش‌های «تحلیل محتوی» و «تحلیل گفتمان» روشن کرده است که مبانی و اصول بسیاری از علوم جدید در نوشته‌های اندیشمندان و علمای گذشته وجود داشته است. اصول مدیریت آن هم در سطح کلان (حکومت) از مسائل امروز دنیا و زیربنای سیاست‌های بین‌المللی است که در دو قطب «کاپیتالیسم» و «سوسیالیسم» و دیگر نظام‌های فکری تاریخ تمدن بشر مورد توجه است. گرچه به قول «سایمون» (۱۹۴۶) اصول مدیریت غربی با هم تعارض دارند مانند اصل «تخصص» با اصل «وحدت فرماندهی» و «وحدت هدف» (نک: حائری، ۱۳۷۸) و نیز نظرات مختلف دیگر، اما در هر صورت هیچ جامعه‌ای ولو کوچک نمی‌تواند بدون مدیریت اداره شود و به قول امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام:

«وَأِنَّهُ لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ يَعْمَلُ فِي إِمْرَتِهِ الْمُؤْمِنُ وَيَسْتَمْتِعُ فِيهَا الْكَافِرُ وَيُبْلَغُ اللَّهُ فِيهَا الْأَجَلَ وَيُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَيُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَتَأْمَنُ بِهِ السُّبُلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ...» (نهج البلاغه، خطبه ۴۰)

بی تردید مردم از داشتن زمامدار (مدیران) ناگزیرند، چه نیکوکار و چه تبهکار، تا در پرتو حکومتش مؤمن به کار و سازندگی پردازد، و کافر زندگی کند و بدین ترتیب کار دنیا بچرخد و روزگار به سرآید، نیز بیت‌المال سامان گیرد، و دشمن از پا درآید، و راه‌ها امن و آباد گردد، حق ضعیف از قوی ستانده شود....

ولی آنچه مهم است و همه اصول و ارکان مدیریت را در بر خواهد گرفت و جامعه انسانی واقعی را شکل می‌دهد عدالت حاکم است.

امروزه مشکل بزرگ جامعه بشری فقدان این اصل اساسی است و سردمداران و قدرت‌های حاکم بر جهان و نظام سلطه که مدعی کخدایی دهکده جهانی هستند و با کمال وقاحت در گوشه و کنار جهان آتش افروزی می‌کنند بویی از عدالت نبرده‌اند.

امام علیه السلام در راستای تحقق عدالت در عرصه حکومت وارد شد و در آغاز صریحاً برنامه مدیریتی خود را چنین اعلام کرد:

«... وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَلَّا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبِ مَظْلُومٍ لِأَلْفَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى عَلَى غَارِبِهَا...» (نهج البلاغه، خطبه ۳)

سوگند به شکافنده بذر و آفریننده جهان اگر نبود حضور فشرده مردم برای بیعت و عهدی که خداوند از عالمان گرفته است که بر شکمبارگی ستمگر و محرومیت ستمدیده سکوت نکنند، حتماً افسار خلافت را رها می‌کردم و زیر بار مسئولیت نمی‌رفتم...»

امام - درود خدا بر او - با تکیه بر عدالت و به پشتوانه علم و تدبیر خود و با همه کارشکنی‌ها و دشمنکامی‌ها توانست نمونه‌ای از حکومت «تعالی‌گرا» و «حقمدار» را در دنیا تحقق بخشد و امور مسلمانان را به سامان برساند گرچه به آن اوجی که می‌خواست نرسید و در این راه جان خود را هم تقدیم کرد؛ نگاه کنید به کلام آن حضرت در این رابطه:

«مَا أَصْبَحَ بِالْكُوفَةِ أَحَدٌ إِلَّا نَاعِمًا، إِنَّ أَدْنَاهُمْ مَنْزِلَةً لِيَأْكُلَ مِنَ الْبُرِّ وَيَجْلِسُ فِي الظِّلِّ وَيَشْرَبَ مِنْ مَاءِ الْفُرَاتِ» (ابن شهر آشوب،...)

در کوفه همگان خوب زندگی می‌کنند. حداقل آنها کسانی هستند که نان گندم، سرپناه و آب سالم از فرات دارند.

عدالت والای امام چنان در اوج بود که خود در ساده‌ترین وضع و حتی کمتر از آن زندگی می‌کرد امام باقر علیه السلام فرمود:

«وَلَقَدْ وُلِّيَ خَمْسَ سِنِينَ مَا وَضَعَ أَجْرَةً عَلَى أَجْرَةٍ وَلَا لِبِنَةٍ عَلَى لِبِنَةٍ وَلَا أَقْطَعَ قَطِيعًا وَلَا أَوْرَثَ بَيْضَاءَ وَلَا حَمْرَاءَ» (صدوق، الامالی، ۲۸۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام پنج سال حکومت کرد ولی آجری روی آجر نگذاشت و نه خشتی روی خشتی و نه زمینی را بخود اختصاص داد و نه طلا و نقره‌ای به ارث گذاشت.

خود آن حضرت بهره‌وری خود را از مال دنیا چنین توضیح می‌دهد:

«أَلَا وَإِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اِكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطَمْرِيهِ، وَمِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ. أَلَا وَإِنَّكُمْ لَا

تَقْدِرُونَ عَلَيَّ ذَلِكَ وَ لَكِنِ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ وَ عِفَّةٍ وَ سُدَادٍ...»^۱
 بدانید که امام از دنیا به دو جامه کهنه بسنده کرده و از غذا به دو قرص نان
 بدانید که شما بر چنین وضعی توانایی ندارید ولی مرا یاری کنید با پرهیزگاری
 و پارسایی و کوشش، پاکدامنی و محکم کاری و درستکاری.

مدیریت تعالی‌گرا و حق مدار

در این رابطه باید گفت که اداره جامعه آن هم به سمت و سوی رشد و تکامل و اجرای عدالت
 و سیاست صحیح متوقف بر وجود همین نکات در نفس حاکم است امام علیه السلام فرمود:

«مَنْ سَاسَ نَفْسَهُ أُدْرِكَ السِّيَاسَةَ» (خوئی، ۲۱/۲۱۵)

کسی که خود را مدیریت کند می‌تواند جامعه را مدیریت و رهبری کند»

در هر صورت اداره جامعه انسانی تنها با فراهم آوردن وسائل و امکانات رفاهی و مادی - که
 ویژه دنیای حیوانات است - میسر نیست، آنچه مهم است تأمین رفاه و امنیت عمومی در پرتو
 رشد کمال انسانی است، یعنی رفاه و امنیت مقدمه بهره‌وری و رسیدن به مقام خلیفه اللهی
 است که موجب می‌شود افراد از رفاه خود هم در رفاه دیگران بگذرند:

«نَفْسُهُ مِنْهُ فِي عَنَاءٍ وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ أَتُعَبُّ نَفْسَهُ لِأَخْرَجَتْهُ وَ أَرَّاحَ النَّاسَ مِنْ
 نَفْسِهِ...»^۲

خود را به زحمت می‌اندازد تا مردم از سوی او در راحتی قرار گیرند. خود را به
 خاطر آخرتش در رنج نگه دارد تا دیگران در سایه سار امنیت و آسایش باشند.

برخلاف دیدگاه مادی که برای رفاه خود رفاه دیگران را نادیده گرفته و حتی آن را مورد
 تهدید قرار می‌دهد.

امام علیه السلام در فرمان‌های خود مسئولان دولتی را هشدار می‌دهد که شأن و شئون مردم به
 ویژه مردم معمولی و کم درآمد و مستضعف را به شدت مراعات کرده و اجازه ندهند که فقراء

۱. نهج البلاغه نامه ۴۵

۲. نهج البلاغه خطبه همام (۱۸۴)

در برابر ثروتمندان تحقیر شوند.

امام - درود خدا بر او - که در حوزه مدیریت کلان قرار داشت برای اجرای عدالت، کارگزاران خود را مورد توجه قرار داده و با نظارت عالی، آنان را بر روش صحیح مدیریت «تعالی گرا» سوق می دهد.

آن حضرت خطاب به «عثمان بن حنیف» استاندار بصره که در میهمانی ویژه یکی از اشراف شرکت کرده بود به سه نکته مهم اشاره دارد:

۱- «وَمَا ظَنَنْتُ أَنْكَ تُجِيبُ إِلَيَّ طَعَامَ قَوْمٍ عَائِلُهُمْ مَجْفُوءٌ، وَ غَنِيَّهُمْ مَدْعُوءٌ»^۱ گمان نمی کردم تو در میهمانی کسی شرکت کنی که به فقرا جفا و از ثروتمندان پذیرایی شود.

در این میهمانی هیچ امر خلاف شرعی نبود تنها مشکل آن، تفاوت بین فقرا و ثروتمندان و توهین و بی احترامی به فقرا بود، امام علیه السلام این امر را برنتافت و اجازه نداد که در مدیریت ایشان چنین اتفاقی بیفتد.

۲- «وَلَوْ شِئْتَ لَاهْتَدَيْتُ الطَّرِيقَ، إِلَيَّ مُصَفًى هَذَا الْعَسَلِ، وَلُبَابِ هَذَا الْقَمَحِ، وَنَسَائِحِ هَذَا الْقَرِّ وَلَكِنْ هَيْهَاتَ أَنْ يَغْلِبَنِي هَوَايَ...»

اگر می خواستم راهش را می دانستم که چگونه به عسل ناب، مغز گندم و بافته های ابریشمین دست یابم اما چه دور است که هوای نفس، بر علی علیه السلام چیره شود و شکمبارگی او را بر سر سفره رنگین نشاند.

مدیریت امام و هشدار به کارگزاران از خود او شروع می شود تا دیگران تکلیف خود را بدانند، وقتی حاکم بر جامعه از بهره‌وری‌های رفاه طلبانه پرهیز کنند و آن را از کارگزاران خود هم منع کند. و آنها هم صادقانه پذیرا باشند، روشن است که سوء استفاده کنندگان و تروریست‌های اقتصادی هم جرأت دست اندازی و خلاف کاری را نخواهند داشت و خود را در معرض خطر نا امنی احساس می کنند.

و در نتیجه تعالی گرایی در جامعه مطرح شده و هدف اصلی و نهایی قرار خواهد گرفت.

۳- «أَقْنَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أَشَارِكُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أُسْوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ»

آیا به همین بسنده کنم که امیرمؤمنانم خوانند ولی در سختی‌های روزگار شریکشان نباشم یا در تنگنای زندگی الگوشان قرار نگیرم.

«تعالی گرایی» و «تعالی بخشی» از این بالاتر؟! که خلیفه مسلمین عملاً خود را با مردم ضعیف و محروم هم شأن و هم طراز قرار داده است یعنی اگر و سائل و امکانات عمومی فراهم نشود مردم احساس می‌کنند که حاکمشان هم با آنها شریک است و بدین ترتیب آلام و ناراحتیشان تسکین می‌یابد و با صبر و پشتکار در صدد رفع موانع و مشکلات و فائق آمدن بر آنها برواهند آمد.

برنامه‌های مدیریتی امام که با کمال دقت و صراحت اعلام شده امروزه هم در دنیا موجب شگفتی است و به عنوان نمونه عدالت عالی عملی مطرح است و حتی در سازمان ملل متحد که متأسفانه جز ساختمان بلند آسمانخراش و تشریفات ظاهری چیزی از آن باقی نمانده نتوانسته این حقیقت والای تاریخی را انکار کند، به این گزارش توجه کنید.

«در سال ۲۰۰۲ میلادی برنامه عمران ملل متحد (UNDP) به درخواست اتحادیه عرب گزارشی را در مورد توسعه انسانی جامعه عرب (Arab human development report) تهیه و منتشر کرد. این گزارش شامل ۸ فصل است و در این فصول مسائل توسعه انسانی کشورهای عربی شامل مسایل جمعیتی، آموزشی، بهداشت، تحقیقات، فن‌آوری، رشد و توسعه اقتصادی، زمامداری و دموکراسی مورد بررسی قرار گرفته است.

در برخی از فصول گزارش مذکور بخشی از بیانات بزرگان و بیانیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به عنوان سوابق تاریخی موضوعات مطروحه درج شده است.

در بخش مربوط به «جامعه دانش محور»، به زمامداری بخشی از سخنان حضرت علی علیه السلام و بخشی از فرمان آن حضرت به مالک اشتر به نقل از نهج‌البلاغه درج شده است»^۱

نشانه‌های مدیریت «تعالی‌گرا»

۱- مهمترین نشانه مدیریت تعالی‌گرا توجه دادن کارگزاران به مسئولیت الهی آنان است که در پیشگاه خداوند باید پاسخگو باشند، البته اشراف و نظارت والی و حاکم هم در راستای این توجه و اعتقاد است، امام علیه السلام به مالک می‌فرماید:

۱. نامه سفیر و نماینده دائم ایران در سازمان ملل - دکتر محمد جواد ظریف به رئیس بنیاد نهج‌البلاغه ۲۸/۱۱/۱۳۸۲

«... وَ وَالِي الْأَمْرِ عَلَيْكَ فَوْقَكَ، وَ اللَّهُ فَوْقَ مَنْ وَ لَّاكَ وَ قَدْ اسْتَكْفَاكَ أَمْرَهُمْ، وَ ابْتَلَاكَ بِهِمْ...»
والی و حاکم بالا دست تو است و خدای تعالی مافوق کسی است که تو را ولایت و مدیریت داده است و اوست که اداره امور مردم را به تو سپرده، و تو را به وسیله آنان، به آزمون گزارده است.

اگر کارگزاران و کارمندان حکومت اسلامی خود را در برابر خداوند پاسخگو بدانند هرگز کم کاری نکرده و دست به تجاوز و ستم دراز نکنند.

۲- نکته دیگر انتخاب کارگزاران است که باید بر اساس کاردانی، تجربه و پیشینه شایسته باشد:

«ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لَكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا، وَلَا تُوَلِّهِمْ مَحَابَبَةً وَأَثَرَةً، فَإِنَّهُمَا جَمَاعٌ مِنْ شُعَبِ الْجُبُورِ وَالْخِيَانَةِ. وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَالْحَيَاءِ، مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ، وَالْقَدَمِ فِي الْإِسْلَامِ الْمُتَقَدِّمَةِ، فَإِنَّهُمْ أَكْرَمُ أَخْلَاقًا، وَأَصْحُ أَعْرَاضًا...» (مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۱۳ ۱۶۶ ۴۲)

در امور کارگزارانت دقت کن و آنان را پس از آزمودن به کار بگمار و نه با سهل انگاری و خودرأیی، زیرا سهل انگاری و خودرأیی زمینه ستم و خیانت است. و از میان آنان کارآزمودگان و آرزومگینانی را برگزین که از خاندان های صالح و پیشگامان در اسلام اند که اینان در خلق و خوی، بزرگوarter و آبرومندتر و پاکدامن ترند، و کمتر به آزمندی ها رو می آورند و بیشتر در عاقبت کارها می اندیشند.

از این کلام نورانی و مهم دو نکته مدیریتی «تعالی گرا» استفاده می شود و مسئولان را در گزینش کارمندان یاری می دهد، و نیز مردم را از آثار و برکات آن بهره مند ساخته و خوشحالی و خوش بینی را به ارمغان می آورد.

الف - گزینش کارمندان و کارکنان مخصوصاً در سطوح عالی باید بر اساس شناخت باشد نه بخاطر فامیلی، دوستی، همشهری و هم خطی بودن و یا به جهت ارائه آمار و ارقام پر کردن جعبه های خالی اداری

ب - از میان افراد واجد شرایط هم باز گزینش دیگر لازم است و آن تجربه کاری و داشتن اخلاق انسانی و اسلامی و نیز سابقه خانوادگی که افرادی شایسته، باتقوی و دیانت باشند.

بدیهی است که این صفات عالی و ارزنده نقش مهمی در اجرای عدالت و خدمت به مردم دارد افراد تازه به دوران رسیده و ناشناخته از نظر تبار و خانواده معمولاً نمی‌توانند افراد خدوم، دلسوز و علاقمند به عدالت باشند و در مقام عمل با مشکل روبرو خواهند شد. مشکلات امروز ادارات رشوه‌خواری، سودجویی و حق‌کشی است که از افراد بی‌هویت و پست و دور از شرائط ایمانی و اخلاقی سر می‌زند.

بنابراین آزمون استخدام ادارات که امر پسندیده و لازمی است باید شرایط فوق را در اولویت قرار داده و کوتاهی در این بخش موجب خسارت به مردم و در نهایت رکود و سقوط جامعه خواهد شد. به این کلام ارزشمند امام توجه کنید:

«لَا يُقِيمُ أَمْرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ إِلَّا مَنْ لَا يُصَانِعُ وَلَا يُضَارِعُ وَلَا يَتَّبِعُ الْمَطْمَعِ»^۱

فرمان خدا را بر پا ندارد جز آن کس که در اجرای حق سازشکاری نکند و به روش اهل باطل عمل نکند و پیرو فرمان طمع نگردد.

۳- مدیریت باید جنبه معنوی و عاطفی قوی داشته باشد، زیرا مردم در حکم ماشین نیستند^۲ که با فشار دکمه‌ای چرخ‌های آن به حرکت درآید و کار خود را انجام دهد، بلکه دارای روح انسانی هستند و تا روح برادری، محبت و خیررسانی در نهاد افراد رشد نکند اداره جامعه سامان نخواهد گرفت:

«ثُمَّ تَفَقَّدُ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا وَلَا يَتَفَاقَمَنَّ فِي نَفْسِكَ شَيْءٌ قَوَّيْتَهُمْ بِهِ وَلَا تَحْقِرَنَّ لُطْفًا تَعَاهَدْتَهُمْ بِهِ وَإِنْ قَلَّ...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳؛ تحف العقول، ۱۲۶)

به دلجویی از آنان برخیز، همانگونه که پدر و مادر از فرزند خود دلجویی می‌کنند و هیچ‌گاه نیرویی را که بدیشان بخشیده‌ای در پیش خود بزرگ‌مپندار، و لطفی را که نسبت به آنان تعهد کرده‌ای - هر چند ناچیز باشد - کوچک مشمار...

دو جمله «تَفَقَّدُ» و «الْوَالِدَانِ مِنْ وَلَدِهِمَا» نشان دهنده دو نکته بسیار مهم در مدیریت تعالی‌گراست.

«تَفَقَّدُ» در برابر «تَكَبَّرَ» و «تَفَرَّعَنَ» است که در مدیریت‌های دنیاگرا مطرح می‌باشد و ما

۱. غررالحکم: حدیث ۱۱۰

۲. پارکینسون می‌گوید: «تایلر» انسان را معادل ابزار قرار داده است. الإدارة والنظام الإداری عندالامام علی (علیه السلام).

محسن باقر الموسوی (ص ۲۰۵)

امروز شاهد آن در دولت‌های استکباری هستیم که منافع سرمایه‌داران و بانکداران را بر منافع مردم ترجیح می‌دهند و توجهی هم به تظاهرات و اعتراضات آنها ندارند (تظاهرات وال استریت)

و نکته دوم: مدیران به پدر و مادر و مردم به فرزندان آنان تشبیه شده‌اند و این بالاترین ارزش آرمانی و معنوی نسبت به رابطه مردم با رهبران و مدیرانشان می‌باشد که در هیچ فرهنگ و جامعه‌ای چنین رابطه و عاطفه‌ای وجود ندارد.

۴- مدیریت تعالی‌گرا رابطه خود با مردم را بر اساس بزرگواری و احترام به شخصیت افراد برقرار کرده و خود را خادم آنان می‌داند و هرگز «فخر فروشی» و «منت‌گزاری» را روا نمی‌دارد و از تحقیر و پیمان‌شکنی به شدت پرهیز می‌کند زیرا خدمت‌رسانی را وظیفه الهی خود می‌داند و نیازی به بزرگ جلوه دادن کارهای خود و فضا سازی‌های کاذب ندارد. «وَإِيَّاكَ وَالْمَنِّ عَلَى رَعِيَّتِكَ بِإِحْسَانِكَ أَوْ التَّزِيدِ فِيمَا كَانَ مِنْ فِعْلِكَ أَوْ أَنْ تَعِدَهُمْ فَتُتْبِعَ مَوْعِدَكَ بِخُلْفِكَ فَإِنَّ الْمَنَّ يُبْطِلُ الْإِحْسَانَ وَالتَّزِيدُ يَذْهَبُ بِنُورِ الْحَقِّ وَالْخُلْفُ يُوجِبُ الْمَقْتَّ عِنْدَ اللَّهِ وَالنَّاسِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳)

و بپرهیز از منت نهادن به مردم در بخشش و از زیاده‌نمایی کاری که کرده‌ای، و تخلف در وعده‌ای که به آنان داده‌ای؛ چرا که منت نهادن احسان را باطل می‌کند و زیاده‌نمایی نور حق را از بین می‌برد و خلف وعده موجب خشم خدا و مردم می‌شود. خداوند تعالی می‌فرماید: «در پیشگاه خداوند گناه بزرگی است که بگویند چیزی را که عمل نمی‌کنید.» ۵- خودبینی و خودبرتربینی «عجب» و دوست داشتن چاپلوسی و تعریف بی‌جا از خطرناک‌ترین مفاسد مدیران است که امام علیه السلام به شدت کارگزاران خود را از آن برحذر داشته و آن را موجب نابودی کارهای خوب والیان برمی‌شمارد.

عجب و خودبرتربینی از هر کس باشد زشت و ناپسند است ولی از مدیران که زمام امور مردم به دست آنهاست و از جایگاه برتر و امکانات بیشتری برخوردارند زشت‌تر و خطرناک‌تر است و آنان باید بیش از دیگران مراقبت کنند.

«وَإِيَّاكَ وَالْأَعْجَابَ بِنَفْسِكَ وَالثَّقَّةَ بِمَا يُعْجِبُكَ مِنْهَا وَحُبَّ الْأَطْرَاءِ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ أَوْثَقِ فُرْصِ الشَّيْطَانِ فِي نَفْسِهِ لِيَمْحَقَ مَا يَكُونُ مِنْ إِحْسَانِ الْمُحْسِنِينَ»

زنهار از خودپسندی و از اعتماد بر چیزی که مایه خوشایندت است و از دوست داشتن

چاپلوسی، که این احوال خود از بهترین فرصت‌های شیطان برای تباہ کردن نیکویی نیکوکاران است.»

زمینه چاپلوسی درباره مدیران بیش از دیگران فراهم است و افراد چاپلوس برای رسیدن به مال و مقام دور و بر آنان می‌گردند و کارهای کوچک آنها را بزرگ جلوه داده و کارهای نکرده آنها را هم ستایش و تعریف می‌کنند تا به نان و نوایی برسند، بدیهی است اگر مدیر فرد خودساخته و متعهد نباشد فریب خورده و حق دیگران را به ناحق به چاپلوسان می‌دهد و «مدیریت تعالی‌گرا» را به «مدیریت دنیاگرا» تبدیل می‌سازد و زمینه اجرای عدالت را محو و نابود می‌نماید.

۶- از بزرگترین آفات مدیریت «گروه‌گرایی»، «باند بازی» در به کارگیری کارگزاران و کارمندان است امام علیه السلام به شدت با این فکر و عمل برخورد کرده و «شایسته سالاری» را ملاک گزینش و استخدام قرار داده است و در فرمان به مالک اشتر و دیگر فرمانداران با عبارات گوناگون این اصل مهم را اعلام فرموده است، از جمله خطاب به کاتبان که از مهمترین مسئولان و معاونان اجرائی بوده:

«تُمْ أَنْظُرُ فِي حَالِ كُتَابِكَ فَوَلِّ عَلَى أُمُورِكَ خَيْرَهُمْ... لَوْجُوهُ صَالِحِ الْأَخْلَاقِ»

سپس در حال دبیران خویش نظر کن و بهترین ایشان را بکار گمار... که برترین ایشان در فضائل اخلاقی باشند.

و یا نسبت به عموم کارگزاران:

«تُمْ أَنْظُرُ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا... وَ تَوَخَّ مِنْهُمْ أَهْلَ التَّجْرِبَةِ وَ الْحَيَاءِ مِنْ أَهْلِ الْبُيُوتَاتِ الصَّالِحَةِ...»

در امور کارگزارانت دقت کن و آنان را پس از آزمودن به کار گیر... و از میان آنان کارآزمودگان و آرمگینانی را برگزین که از خاندان‌های صالح و پیشگامان در اسلام باشند.

و همچنین درباره قاضیان و داوران امور قضایی:

«تُمْ اخْتَرْ لِلْحُكْمِ بَيْنَ النَّاسِ أَفْضَلَ رَعِيَّتِكَ فِي نَفْسِكَ...»

برای امر داوری بین مردم برترین افرادی را که می‌شناسی برگزین کسی که دشواری کارها او را در تنگنا نیفکند و کشمکش دادخواهان او را به لجاجت نیندازد و در لغزش و خطا پافشاری نرزد و چون حق را دریافت، راحت و با سعه صدر به سوی آن باز گردد و

بر پرتگاه آز و طمع قرار نگیرد و به جای دقت به فهم اندک اکتفا نکند، و از همه بیشتر در شبهه‌ها درنگ کند، و در اقامه برهان، تواناترین، و در مراجعه دادخواه نستوه‌ترین، و در کشف قضایا بردبارترین، و پس از تشخیص حکم قاطع‌ترین باشد. کسی که نه ستایش‌های نابجا او را به غرور افکند و نه تحریکات مردم او را منحرف کند و البته اینان اندکند.

نتایج:

- مدیریت علوی بر اصل عدالت استوار است.
- نظام مدیریت علوی با نظام کنونی در تضاد ماهوی است.
- دو اصل مهم در مدیریت متعالی نظارت در عرصه خرد و کلان است.
- خودنظارتی نیز از ارکان مهم اصل نظارت است.
- مهمترین مؤلفه‌های مدیریت علوی در عرصه عمل عبارت است از:
توجه به نظارت خداوند متعال، به‌عنوان مهمترین ناظر؛
نظارت و گزینش کارگزاران بر مبنای شایستگی و سوابق و تقوا
نگاه همراه با مهربانی و عطوفت مدیر نسبت به مردم
پرهیز از حزب‌گرایی و گروه‌گرایی

منابع:

- قرآن کریم
- نهج البلاغه، م: دین پرور، تهران، بنیاد نهج البلاغه، ۱۳۷۹؛
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، قم: ذوی القربی، ۱۴۲۱؛
- ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، قم: نسیم کوثر، ۱۳۷۹؛
- ابن شعبه، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، اسلامیة، ۱۴۰۰ق؛
- تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، تصحیح: حسین ارموی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۲؛
- خوئی، حبیب الله، منهاج البراعه فی شرح نهج البلاغه، تصحیح: ابراهیم میانجی، تهران: مکتب الاسلامیه، ۱۳۹۸هـ.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دار الاحیاء التراث؛
- موسوی، محسن باقر، الاداره و النظام الاداری عند الامام علی علیه السلام، بیروت، الغدیر، ۱۴۱۹؛
- نوری، حسین بن محمد تقی، المستدرک الوسائل فی مستنبط المسائل، قم: آل البيت، بی تا؛
- همان، الفكر الاقتصادي فی نهج البلاغه، بیروت: دارالهادی، ۱۴۲۲.